

بازخوانی مفاهیم ایمان و کفر در نظام‌واره کلامی ماتریدیه

با نگاهی بر آرای کلامی ماتریدیان معاصر افغانستان

سید جمال‌الدین موسوی^۱

چکیده

مکتب کلامی ماتریدیه منسوب به ابومنصور محمد بن محمد ماتریدی در قرن چهارم در آسیای مرکزی به وجود آمد و به مرور زمان به مناطق مختلف راه پیدا کرد. با مروری بر تاریخ و آرای مکتب کلامی ماتریدیه، می‌توان به پایداری این جریان در طول سده‌های متوالی و نیز تلاش ماتریدیان در بازخوانی مفاهیم کلامی و تبیین آن‌ها پی برد. ایمان و کفر از جمله مسائلی است که در نظام‌واره کلامی ماتریدیان به تفصیل موردتوجه قرار گرفته است. ماتریدیان ایمان را با مسائلی چون تعریف، ارکان، رابطه ایمان و عمل، رابطه ایمان و اسلام و کاستی و فزونی ایمان و نیز درجات ایمان به بررسی گرفته‌اند. نتیجه خوانش آنان از ایمان به‌نوعی بیانگر رویکرد حداکثری ماتریدیه به جایگاه انسان مسلمان است و با تفسیر حداکثری از مسئله ایمان، انسان مسلمان با کافر قلمداد نمودن اهل قبله به مخالفت برخاسته‌اند. توجه به این امر و خوانش بنیان‌های کلامی ماتریدیان که زمینه‌ساز تعامل بین فرقه‌های کلامی مسلمان می‌گردد، در مواجهه با جریان‌های بنیادگرا و تندرو نقش مهمی دارد. لازمه این امر توجه به آرای کلامی اندیشمندان معاصر ماتریدی در جهان اسلام است. در این نوشتار با تکیه بر منابع اصیل جریان ماتریدیه، با مروری بر آرای برخی چهره‌های معاصر ماتریدی افغانستان دیدگاه ایشان در این زمینه موردتوجه قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: ماتریدیه، کلام، ایمان، کفر، افغانستان معاصر.

۱. گروه جریان‌های کلامی معاصر، مجتمع عالی آموزشی امام خمینی، جامعة المصطفی العالمیه، بامیان، افغانستان. -Sjmo

savi64@gmail.com

مقدمه

بازخوانی اندیشه‌های کلامی نقش مهمی در شناخت میزان همگرایی و واگرایی فکری جریان‌های کلامی دارد و از این طریق می‌توان به چپستی رویکرد و مبانی مکاتب کلامی مسلمانان پی برد. از جمله مباحث مهم کلامی که در تاریخ فرق اسلامی دارای اهمیت بوده، مسئله ایمان و کفر است. مکاتب کلامی درباره چپستی ایمان و ارکان آن و نیز پیوند آن با عمل و نقش اعمال جوارحی در ایمان و کاستی و فزونی پذیری ایمان و نیز درباره کفر و مصادیق آن از منظر کلامی اعتقادی گاهی تفسیرهای متفاوتی ارائه کرده است. از جهت تاریخی منشأ شکل‌گیری برخی جریان‌های سیاسی و کلامی در صدر اسلام به رویکرد آنان نسبت به مسئله ایمان و کفر بوده که برای نمونه می‌توان از جریان خوارج نام برد. ایمان و کفر در طول سده‌های متوالی مورد توجه اصحاب فرق کلامی بوده و از جمله فرق کلامی تأثیرگذار در جهان اسلام که از آغاز شکل‌گیری تا امروز از مبانی فکری و جغرافیای معرفتی و انسانی گسترده‌ای برخوردار بوده، مکتب کلامی ماتریدیه است. بررسی آرای کلامی این جریان و تأثیر آن بر اوضاع فکری معرفتی ماتریدی باوران و نقش رویکرد ایشان در تعامل با دیگر جریان‌های فکری معرفتی در جهان اسلام و تقابل آنان با جریان‌های تندرو دارای اهمیت است. با در نظر داشت نکات فوق در این نوشتار تلاش شده که با رویکرد توصیفی و تحلیلی به بازخوانی دو مقوله ایمان و کفر از دیدگاه ماتریدیه پرداخته شود. در خلال این بررسی تلاش شده است نگاه برخی اندیشمندان ماتریدی معاصر افغانستان به ایمان اهل قبله و مواجهه ایشان با تکفیر اهل قبله بیان گردد.

۱. ماتریدیه

اصطلاح «ماتریدیه» برگرفته از مکتب کلامی ماتریدیه است که به ابومنصور محمد بن محمد بن محمود ماتریدی (متوفی ۳۳۳ ق) منسوب است. این مکتب از بزرگ‌ترین و اثرگذارترین مکتب‌های کلامی در جهان اسلام به شمار می‌رود. (جلالی، ۱۳۸۶:

۱-۱. بنیان‌گذار و مبانی معرفتی

ابومنصور محمد بن محمد ماتریدی سمرقندی بنیان‌گذار مکتب کلامی ماتریدیه در منطقه ماترید یا ماتریت سمرقند به دنیا آمد. او با بنیان‌گذاری روش و منهج فکری که در آن عقل و نقل با سازگاری یکدیگر به حل مبانی فکری و اعتقادی می‌پردازد، زمینه‌های شکل‌گیری مکتب کلامی ای را فراهم کرد که بعدها به ماتریدیه مشهور شد. مسلمانان حنفی برای وی و روش فکری کلامی وی، جایگاه رفیع قائل بوده و در مسائل اعتقادی از تفکرات کلامی او پیروی می‌کنند. (ابن ابی‌الوفاء، بی‌تا، ۲: ۱۳۰) در اندیشه کلامی ماتریدیان روش ادراک عقلی اهمیت شایانی دارد و عقل از مهم‌ترین منابع شناخت نزد ایشان به شمار می‌آید. (ابوزهره، ۱۹۹۶: ۲۹۴) چنان‌که خود ابومنصور راه رسیدن به حقیقت و اساس دین‌شناسی را در ادراکات عقلی می‌داند. (ماتریدی، ۲۰۱۰: ۳۲) دیگر متکلمان ماتریدی نیز به تبعیت از ابومنصور ماتریدی و ابوحنیفه، معرفت خداوند را از طریق حکم عقل قبل از سمع ضروری دانسته‌اند و بر این باورند که اگر از جانب خداوند پیامبری مبعوث نمی‌شد و دینی فرستاده نمی‌شد، بازهم شناخت خدا واجب بود؛ زیرا شناخت و تصدیق رسالت پیامبر فرع بر شناخت ارسال‌کننده و خداوند است (بیاضی، ۱۳۶۸: ۹۳) ماتریدیان ضمن تقسیم نقل و اخبار به صادق و کاذب، (نسفی، ۱۴۰۶: ۶۳) صدق را به معنای مطابقت با واقع و نفس‌الامر تفسیر نموده و خبر صادق را از مصادر و ابزارهای معرفت و راه وصول به علم دانسته‌اند. (جلالی، ۱۳۸۶: ۱۵۷) از نظر ایشان اخبار صادق هم بر دو دسته «اخبار و احادیثی که پیامبران الهی از سوی خداوند با اعجاز و بینات آورده و یقین آور است» و «اخباری که به صورت متواتر نقل شده و احتمال کذب در آنها راه ندارد» قابل تقسیم است. (نسفی، ۱۹۹۰، ۱: ۱۶-۱۷)

از نظر ایشان اخبار صادق محکی از پیامبران و اخبار متواتر هر دو برای اثبات مبانی دینی استدلال‌پذیر و دارای حجیت است. درباره اخبار غیر متواتر نیز ایشان بر این باورند که آن‌ها را پس از بررسی سندی و رجالی راویان و میزان موافقت و مخالفت با کتاب و سنت باید پذیرفت و یا کنار نهاد. (مغربی، ۱۴۳۰: ۵۱)



۱-۲. پیشینه و گستره در جهان اسلام

مکتب کلامی ماتریدیه به گونه رسمی از قرن چهارم در جهان اسلام سر برآورد و از آن زمان تا امروز جسته و گریخته در مناطق مختلف از جمله ماوراءالنهر، شبه قاره هند، چین، خراسان، عراق، مصر، ترکیه و بالکان، ایران، آسیای میانه، جنوب شرق آسیا، پاکستان، افغانستان، خاور میانه و شمال آفریقا دارای پیرو بوده است. در برخی این مناطق ماتریدیان در اقلیت و در برخی مناطق در اکثریت بوده‌اند. (جلالی، ۱۳۸۶: ۱۱۹-۱۳۵)

در کنار شاگردان ابومنصور ماتریدی که در بازخوانی و نشر افکار ابومنصور و در بنیان‌گذاری مبانی فکری ماتریدیه نقش داشته، عالمان و اندیشمندانی در طی قرونتمادی بوده‌اند. برای نمونه می‌توان از دانشمندان ذیل نام برد: علاءالدین ابوبکر بن مسعود کاسانی حنفی (متوفی ۵۸۷ ق) نویسنده کتاب بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، جمال‌الدین احمد بن محمد غزنوی حنفی (متوفی ۵۹۳ ق) نویسنده کتاب اصول‌الدین، محمد بن محمود بن احمد روی بابر تی حنفی (متوفی ۷۸۶ ق) نویسنده شرح عقیده الطحاویه، کمال‌الدین محمد بن عبدالواحد معروف به ابن الهمام حنفی (۷۹۰-۸۶۱ ق) نویسنده شرح فتح‌القدير، شیخ حسن بن داود بن یعقوب اقحصراری مشهور به کافی بوسنوی (۹۵۱-۱۰۲۴ ق) نویسنده نورالیقین فی اصول‌الدین، علامه محمد امین بن عابدین (۱۱۹۸-۱۲۵۲ ق) نویسنده حاشیه رد المحتار، عبدالغنی بن طالب بن حمادة بن ابراهیم بن سلیمان غنیمی دمشقی حنفی مشهور به میدانی (۱۲۲۲-۱۲۹۸ ق) نویسنده شرح العقیده الطحاویه، انورشاه کشمیری نویسنده الکفار الملحدین فی ضروریات دین، مولانا خلیل احمد سهارنپوری نویسنده المهند علی المفند و مفتی محمد شفیع (مفتی اعظم پاکستان) نویسنده معارف القرآن.

۱-۳. پیشینه و گستره در افغانستان

مکتب کلامی ماتریدیه پس از تأسیس و رشد در آسیای میانه امروزی، دیری نپایید که به مناطق هم‌جوار آن از جمله شهرهای بلخ، غزنه و هرات و سایر شهرهای افغانستان امروزی راه یافت و منتشر شد. در سده یازده قمری مهم‌ترین چهره شناخته



شده ماتریدیه در غرب افغانستان ملاعلی قاری هروی (متوفی ۱۰۱۴ق) است که در خراسان بزرگ از شهرت زیادی برخوردار بوده است. بیش از ۱۵۰ اثر برای قاری هروی برشمرده‌اند که از آن جمله می‌توان به شرح فقه الاکبر منسوب به ابوحنیفه، شرح الشفای قاضی عیاض، المرقاة المفاتیح شرح المشکاة المصابیح، ضوء المعالی فی شرح بدء الامالی اشاره نمود. (جلالی، ۱۳۸۶: ۱۰۸) از دیگر چهره‌های مهم ماتریدیان حنفی در سده سیزدهم قمری در افغانستان مولوی حبیب‌الله قندهاری (۱۲۱۳-۱۲۶۵ق) است. قندهاری آموزش‌های ابتدایی را در زادگاهش آموخت و سپس با سفر به کابل، هرات، غزنی، هند، شام، حجاز و ایران علوم معقول و منقول را از عالمان این مناطق فراگرفت. (حبیبی، ۱۳۶۷: ۴۳) تا قبل از محقق قندهاری در قندهار و نواحی آن بیشتر به علوم منقول توجه می‌شده؛ اما وی با سفر به هند و ایران و فراگیری فلسفه و کلام و حکمت با بازگشت به قندهار، این علوم را در آنجا ترویج نمود. (آریانفر، ۱۳۸۷: ۴۷۵) بنابر گزارش‌های تاریخی زمانی که سید احمد بریلوی و شاه اسماعیل دهلوی رهبران نهضت مجاهدین برای تبلیغ به جهاد با سیک‌های پنجاب به افغانستان آمده بودند، مولوی حبیب‌الله قندهاری با این دو شخصیت دیدار نموده و نسبت به برخی دیدگاه‌های افراطی ایشان درباره مصداق اهل قبله اعتراض نموده و مباحثه علمی بین ایشان درگرفت. (انوشه و دیگران، ۱۳۸۲: ۳: ۳۱۹) محقق قندهاری حدود ۴۰ کتاب و رساله به زبان‌های فارسی دری و عربی و پشتو در موضوعاتی چون فلسفه، کلام، عرفان، منطق، اخلاق، فقه و اصول، حدیث و تاریخ در قالب تألیف و ترجمه از خویش برجای گذاشت. (آریانفر، ۱۳۸۷: ۴۷۶)

از دیگر مشاهیر ماتریدیه سنتی در افغانستان متأخر و معاصر شیخ ابوالفضل ایوبی قندهاری (متوفی ۱۴۳۰ق) نویسنده کتاب سیف الکندهاری علی عنق السلفی و یلیه البیانات الصادقه فی احوال الفرقة الوهابیه است. وی از پیروان طریقت نقشبندیه بوده است. این اثر در اصل شامل دو رساله سیف الکندهاری علی عنق السلفی و رساله البیانات الصادقه فی احوال فرقه الوهابیه است. نویسنده در هر دو رساله تلاش نموده میان فقه حنفی و کلام ماتریدی و تصوف به‌ویژه تصوف نقشبندی نزدیکی ایجاد نماید

تا از این طریق به مواجهه با فرقه وهابیت که آن را خطر جدی در برابر مسلمانان به‌ویژه صوفیان حنفی می‌داند برود. (ایوبی کندهاری، بی‌تا: ۱۵-۲۵)

از دیگر کسانی که در مدارس دینی و مراکز علمی حنفیان متأخر در افغانستان داعیه‌دار بازخوانی تفکر کلامی ماتریدی بوده و کارهایی در این زمینه انجام داده‌اند، می‌توان از افراد چون عبدالاحد سلجوقی (۱۱۳۰-۱۲۱۸ ش)، محمدحسین سلجوقی (۱۲۲۷-۱۲۹۳ ش)، ملاخداداد پیاوشت (متوفی ۱۲۶۶ ش)، غلام محی‌الدین غلامی (۱۲۶۵-۱۳۲۹ ش)، محمد سلیم طغرا (تولد ۱۲۷۷ ش)، عبدالغنی قلعه‌بلند (متولد ۱۲۶۰ ش)، محمد سعید افغانی (۱۳۰۰-۱۳۶۳ ش)، نویسنده آثار مختلف از جمله العقیده الاسلامیه و آرای المعتزله والاشاعره والماتریدیه و اختلافاتهم، عنایت‌الله ابلاغ (متوفی ۱۳۹۸ ش) نویسنده آثاری چون اندیشه‌های کلامی ابوالمعانی بیدل، امام ابوحنیفه المتکلم و مولانا جلال‌الدین بلخی میان صوفیه و علمای کلام و سعیدالرحمن حقانی نویسنده کتاب عقیده اهل سنت والجماعة یاد نمود. (حقانی، ۱۳۴۵: ۸) این افراد با آنکه به لحاظ فکری دنبال‌گران نظام فکری اندیشمندان متقدم ماتریدی و حنفی بوده‌اند و در ضمن آن در مواردی با تألیف و تدوین رساله‌هایی به بازخوانی و تحلیل آثار ابومنصور ماتریدی و مبانی کلامی مکتب ماتریدیه پرداخته‌اند؛ اما بیشتر ایشان آثار ماتریدیان حنفی پیشین را بدون تحلیل و بررسی نقادانه در محافل خویش سینه به سینه منتقل ساخته و بدون گره‌گشایی از مشکلات، بر مرجعیت و تقدیس میراث گذشتگان بدون کدام چون و چرا باقی مانده و کمتر به نقد و تحلیل پرداخته‌اند.

۲. ایمان

واژه «ایمان» در کتاب‌ها و معاجم لغوی تعاریف گوناگونی شده است. برای نمونه می‌توان به تعریف ابن فارس اشاره نمود که آن را مصدر باب افعال از افعال ثلاثی مزید از ریشه «امان» و «امانت» ضد «خیانت» و به معنای آرامش و سکون دانسته است. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۱: ۱۳۲) همچنین ایمان به معنی اطمینان و اعتماد و



مخالف تکذیب نیز دانسته شده است. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۴: ۲۵) در تعریف لغوی جامع‌تر ایمان به معنی تصدیقی همراه با آرامش و امنیت و آسایش در کلام برخی لغویان بیان شده است. (رازی الحنفی، ۱۴۲۰: ۲۲) از نخستین و مهم‌ترین مسائلی که سران فرق و مذاهب مسلمان درباره آن دیدگاه‌های مختلفی مطرح نموده‌اند، مسئله ایمان است. این مسئله از آنجا ناشی می‌شده که آنان درباره مصداق انسان مؤمن و کافر و احکام مترتب بر آن از جهت کلامی و فقهی دیدگاه‌های متفاوتی داشته‌اند. به همین جهت درباره حقیقت ایمان و اینکه آیا حقیقت ایمان مبتنی بر قلبی بودن همراه با تصدیق و معرفت و اقرار زبانی و اعمال جوارحی است یا نه، متکلمان مسلمان دیدگاه‌های مختلفی داشته‌اند. (اندلسی، ۱۴۲۲، ۲: ۱۸۳)

۳. کفر

واژه «کفر» در لغت به معانی مختلف از جمله پنهان کردن، پوشانیدن و ناشکری آمده است. (ابن منظور، بی‌تا، ۱: ۱۴۹) از جهت معناشناسی نیز این اصطلاح از دو جنبه فقهی و کلامی مورد توجه اندیشمندان مسلمان قرار داشته است. در بسیاری از مذاهب فقهی از جمله حنفیان حد نصاب مسلمان بودن و خروج از مرز کفر، جاری شدن شهادتین بر زبان دانسته شده و آن را به انقیاد ظاهری انسان مربوط می‌دانند. (ابن نجیم، ۱۴۳۶، ۵: ۱۲۵) کفر در اصطلاح عرفا به معنای ایمان حقیقی است و کفر ظلمت عالم تفرقه را گویند. شیخ عبدالرزاق کاشانی در این زمینه گفته کفر از مقتضیات اسماء جلال است و گفته شده که کافر آن است که از مرتبت صفات و اسماء و افعال نگذشته باشد. (سجادی، ۱۳۷۳، ۳: ۱۵۸۲) مفهوم کفر در اصطلاح متکلمان از جمله اشاعره تصدیق نکردن رسول و احکام ضروری و شریک قرار دادن در الوهیت است. (همان، ۳: ۱۵۸۲) از جهت کلامی مفهوم «کفر» در برابر مفهوم «ایمان» قرار می‌گیرد که جایگاه آن در قلب آدمی است.

اصطلاح (تکفیر) نیز از ماده (کَفَر) از باب تفعیل دارای معانی مختلفی است و لغت‌شناسان برای این واژه معانی گوناگونی ذکر کرده‌اند که نسبت دادن کفر به کسی

و کافر خواندن او، یکی از معانی این واژه است. (شرتونی، ۱۳۷۴، ۴: ذیل حرف کاف) خضوع و فروتنی، محو نمودن و از بین بردن چیزی از دیگر معانی است که برای این واژه به کار برده شده است. (طریحی، ۱۳۷۵، ۳: باب ما اوله کاف) هم‌چنین این واژه، نسبت دادن اندیشه یا شخصی به کفر را می‌رساند. (رضوانی، ۱۳۹۳: ۱۳۴)

در قرآن کریم اصطلاح تکفیر برای آن دسته از افرادی به کار برده شده که قبلاً مؤمن بودند؛ اما با دست زدن به اعمال خاص، ایمان ایشان از بین رفته و از جانب خداوند تکفیر شده است. قتل پیامبران (آل عمران: ۲۱ و ۲۲)، تکذیب آیات الهی (اعراف: ۱۴۱)، سد نمودن راه خداوند (محمد: ۳۲) و شرک ورزیدن به خدا (انعام: ۸۸) از جمله این اعمال در قرآن کریم یاد شده است. چنان‌که در آیه ۲۱ و ۲۲ سوره آل عمران صراحتاً نسبت به این مسئله اشاره شده است.

شبهه آنچه در معاجم لغوی و آیات قرآن برای واژه تکفیر معانی ای ذکر شده، در احادیث و فقه نیز مصادیقی ذکر شده و از مجموع تعریف‌ها دربارهٔ واژه تکفیر می‌توان گفت: واژه تکفیر مربوط به کفر پس از ایمان یا کفر کسانی است که در آغاز به اسلام گرویده یا از آغاز تولد مسلمان بوده، ولی بعدها با انکار یکی از اصول یا ضروریات آن از دین اسلام بازگشته و دوباره به کفر گرویده و مرتد شده‌اند. (صفاتاج، ۱۳۸۰: ۵۰)

۴. مفهوم «ایمان» در نظام‌وارهٔ کلامی ماتریدیه

ماتریدیان در بحث ایمان مسائل مختلفی از جمله تعریف و ماهیت ایمان، رابطهٔ ایمان با عمل، ویژگی‌های ایمان، متعلق ایمان، استثنا در ایمان، ایمان مقلد، زیادی و نقصان در ایمان و پیوند ایمان با اسلام را مورد توجه قرار داده‌اند. (جلالی، ۱۳۸۶: ۱۶۷) در ادامه به گزیده‌ای از این موارد اشاره می‌گردد:

۱-۴. حقیقت و ارکان ایمان

ماتریدیان دربارهٔ حقیقت ایمان به‌طور کلی به دو دیدگاه قائل‌اند: گروهی از ایشان از جمله ابومنصور ماتریدی ضمن تعریف ایمان، آن را تصدیق



قلبی دانسته. است (نسفی، ۱۹۹۰: ۱، ۲۵) بر اساس این تعریف رکن دیگری در آن دخالت ندارد و اقرار زبانی شرط در ایمان نبوده؛ اما زمینه را برای تصدیق که فعل قلب است، فراهم می‌سازد. (ماتریدی، ۱۴۲۶: ۴: ۵۴۹) ماتریدی برای اثبات دیدگاه خویش به آیه ۱۴ سوره حجرات استناد و استدلال نموده است. استدلال وی در این آیه این‌گونه است که اگر اقرار زبانی را در تحقق ایمان کافی بدانیم، منافقان را که نزد پیامبر^(ص) اظهار ایمان می‌کردند، باید در زمره مؤمنان قرار داد. این در حالی است که ایمان آن‌ها از جانب خداوند رد شده است؛ زیرا ایمان آنان به پیامبر^(ص) از روی صدق دل نبوده است. (ماتریدی، ۱۴۲۶: ۲۸۶) از دیدگاه ماتریدی به لحاظ عقلی نیز ماهیت دین را ایمان تشکیل می‌دهد و ارزشمندترین امر در دین، اعتقاد و باور است که محل آن در قلب است و اموری که حقیقت ایمان را تحقق می‌دهد، مربوط به قلب است. این امر قلبی همان تصدیق خواهد بود. (ماتریدی، ۱۴۲۶: ۲۷۰-۲۷۲)

طیفی دیگر از ماتریدیان علاوه بر تصدیق قلبی، اقرار زبانی را نیز رکن در ایمان شمرده‌اند. برای نمونه می‌توان به ابوالیسر بزدوی اشاره کرد که تصدیق را اعم از قلبی و لسانی می‌داند و از راه تقابل میان ایمان و کفر و با استناد به آیه ۱۰۶ سوره نحل معتقد است که خداوند در این آیه نطق به زبان و کفر قلبی هر دو را کفر دانسته؛ اما در جایی که از روی اجبار و صرفاً به زبان کفر بورزد، بخشیده می‌شود. از این جهت کفر به زبان و قلب هر دو تحقق می‌یابد و ایمان که مقابل کفر است، نیز به هر دو حاصل می‌شود. (بزدوی، ۱۴۲۴: ۱۵۱)

۴-۲. رابطه ایمان با اسلام و اعمال انسان

درباره پیوند ایمان و اسلام نیز ماتریدیان بر این باورند که اسلام و ایمان با آنکه به لحاظ لغوی و مفهومی متفاوت است؛ اما از نظر وجودی و مصداقی یکی است. به این معنا که هر مؤمنی مسلمان و هر مسلمانی مؤمن است؛ اما ایمان به مفهوم تصدیق خدا و رسول خدا در اوامر و نواهی او است، اسلام نیز تسلیم شدن و انقیاد فرد در برابر مقام ربوبی و الوهی خداوند و اطاعت از فرمان‌ها و دستورات او است. (جلالی، ۱۳۸۶: ۱۸۷)



در باره ارتباط ایمان با عمل نیز دیدگاه قاطبه ماتریدیان متقدم دخیل ندانستن عنصر عمل در ماهیت ایمان است و ایشان بر این باورند که اعمال جوارحی در کم شدن یا زیاد شدن ایمان، نقشی نداشته و از ارکان و مقومات آن به حساب نمی‌آید. نسفی در این زمینه بر این باور است که مسلمانان در این باره بر جدایی اعمال از ماهیت ایمان اجماع دارند. (نسفی، ۱۹۹۰: ۳۸۶) لامشی از دیگر شخصیت‌های ماتریدی با استناد به آیه ۱۱ سورة طلاق و آیه ۱۸۳ سورة بقره بر این باور است که اعمال را نمی‌توان جزئی از ایمان شمرد؛ زیرا خداوند در این آیات میان ایمان و عمل فرق نهاده و در مواردی مسلمانان را بدون انجام اعمال مؤمن دانسته است. از نظر وی ایمان قابل نسخ نبوده و اگر عمل جزء ایمان باشد، نسخ اعمال غیر ممکن است. در حالی که عمل نسخ پذیر است و علاوه بر آن اعمال در صورتی که در ماهیت ایمان دخالت داشته باشد، نباید کسی با ایمان کامل از دنیا برود؛ زیرا اعمال حد و اندازه معینی ندارد که برای آن بتوان نقطه پایان در نظر گرفت. (لامشی، ۱۴۲۵: ۱۳۱)

در کنار ماتریدیان متقدم برخی ماتریدیان جدید در شبهه‌قاره، عمل را نیز جزء ایمان بر شمرده‌اند که برای نمونه می‌توان به خلیل احمد سهارنپوری، انور شاه کشمیری و عبدالهادی سندی اشاره نمود که اعمال را شرط کمال ایمان و جزء ضروری آن دانسته‌اند. (کشمیری، بی‌تا، ۱: ۲۰۰-۲۰۴)

۴-۴. زیادی و کاستی پذیری ایمان

ماتریدیان با تبعیت از نظریه ارجائی ابوحنیفه، (ابلاغ، ۱۳۹۰: ۱۵۳) بر این باورند که ایمان قابلیت کاستی و فزونی ندارد. برخی ایشان در این زمینه گفته‌اند در صورتی که ایمان را قابل کم و زیاد شدن بدانیم، اعتقاد به این مسئله سبب بدعت در دین می‌گردد. (سمرقندی، ۱۳۹۳: ۳۳) ماتریدیان علی‌رغم باور به این مسئله، با توجه به برخی آیات قرآنی از جمله آیه ۲ سورة انفال افزایش و کاهش را در ایمان با مسائل چون ایمان اجمالی و تفصیلی، ثبات و استواری در ایمان، آثار و ثمرات ایمان و مراتب یقین تفسیر کرده‌اند و در مواردی اهل ایمان را از جهت درجات یقین و کمال دین‌داری با یکدیگر یکی ندانسته‌اند. (جلالی، ۱۳۸۶: ۱۸۲)



۵. مفهوم «کفر» در نظام‌واره کلامی ماتریدیه

ماتریدیان معیار تکفیر افراد را در انکار خداوند و انکار و تکذیب پیامبران الهی و انکار ضروریات دین و حلال شمردن گناهان دانسته‌اند. ابومنصور ماتریدی و ملاعلی قاری هروی با ارائه دلایل نقلی و عقلی در ضمن اثبات توحید، به این نکته تصریح کرده‌اند که تشبیه نمودن خداوند به مخلوقات و نفی صفات خداوند سبب کفر است (ماتریدی، ۱۴۲۶: ۳۳) نجم‌الدین نسفی بر این باور است که به اجماع عالمان مسلمان تکذیب نمودن پیامبران الهی موجب کفر است. (التفتازانی، ۱۴۰۷: ۲۵۸) از نظر متکلمان ماتریدی کسی که احکام ضروری دین را انکار نماید، کافر شده و از اسلام خارج می‌شود. انکار و ترک پایه‌های اسلام مانند نماز، حج، روزه، زکات و... و حلال دانستن مسائلی چون نکاح با محارم، شرب خمر، استفاده از گوشت میته و خوک بدون ضرورت و... که شرع مقدس آن‌ها را حرام دانسته موجب کفر و خروج از دین می‌گردد؛ اما انجام این اعمال بدون باور به حلیت آن‌ها فقط موجب فسق انسان می‌شود. (بزدوی، ۱۴۲۴: ۱۴۹)

۱-۵. پرهیز از تکفیر اهل قبله

ماتریدیان از تکفیر اهل قبله پرهیز نموده‌اند. ابوحنیفه نعمان بن ثابت (۸۰-۱۵۰ق) بنیان‌گذار مذهب فقهی حنفی که در تکوین و نضج مبانی کلامی اهل سنت و جماعت به‌ویژه ماتریدیه نقش مهمی دارد، (ابوزهرة، ۱۹۹۶: ۱۶۵) تصریح کرده که انسان مسلمان را به دلیل ارتکاب گناه ولو اینکه کبیره باشد تا زمانی که آن را حلال نشمارد، نباید تکفیر کرد و عنوان مؤمن از او سلب نمی‌شود و او همچنان مؤمن به حساب می‌آید.

ابن ابی‌العزّ حنفی (۷۳۱-۷۹۳ق) از دیگر اندیشمندان حنفی ماتریدی مهم به پرهیز از تعصب و دوری از تکفیر اهل قبله تأکید نموده و بر این باور است که تعصب نزد بزرگان مذاهب همیشه وجود داشته و این کار دل‌ها را پر از کینه می‌کند. این در حالی است که خداوند از جدال با اهل خلاف نهی کرده، چه رسد به اهل وفاق، مگر در صورتی که جدال بین مذاهب جدال احسن باشد. (حنفی، بی‌تا: ۸۹) از نظر



وی تکفیر نمودن یکدیگر از عیوب اهل بدعت است نه از اوصاف اهل علم و اهل علم باید از این کار پرهیز نمایند. (حنفی، ۱۴۱۸: ۳۰۰)

از دیدگاه قاری هروی اهل قبله کسانی هستند که ضروریات دین مانند حدود عالم، حشر اجساد، علم کلی و جزئی خدا و مشابه این گونه مسائل را منکر نباشد. چنین شخصی اگرچه در طول عمر بر طاعات و عبادات مواظبت کند و در عین حال به قدیم بودن عالم و نفی حشر، عقیده داشته باشد و علم الهی را نفی کند، اهل قبله نیست. اهل سنت در صورتی اهل قبله را تکفیر نمی‌کنند که نشانه‌ها و موجبات کفر در او دیده نشود. قاری هروی معتقد است از نظر علمای قدیم و متأخر اهل بدعت و هوای نفسانی تکفیر نمی‌شود مگر در صورتی که کفر صریح داشته باشند. (رضوانی، ۱۳۹۳: ۲۱۹) وی همچنین در جای دیگر در این باره می‌گوید در زمینه تکفیر، مشکلات و اختلافات بزرگ به وجود آمده و با این کار افتراق زیاد شده و با آن هواها و آرا تشتت پیدا کرده و دلایل متعارض شده و وسایل متناقض گشته است. (قاری هروی، ۱۴۲۸: ۲۷۱) از نظر قاری داخل کردن کافری را در ملت اسلامی و اخراج کردن مسلمانی را از اسلام، در دین گناه بزرگی است. (روحانی، لاشاری، ۳: ۱۶۰)

۶. ایمان و کفر اهل قبله از منظر حنفیان ماتریدی معاصر افغانستان

برخی اندیشمندان ماتریدی حنفی افغانستان امروزین ایمان را به اقرار به زبان و تصدیق قلبی تعریف نموده و بر این باور است که شخص مسلمان تا زمانی که به وحدانیت خداوند و رسالت پیامبر^(ص) شهادت دهد و به آن پایبند باشد، مؤمن است. بر همین اساس از دیدگاه ایشان ایمان یکی است و اهل ایمان در اصل ایمان باهم برابر هستند و برتری و بهتری بر اصل تقوی و مخالفت از هوی و هوس نفسانی است. ایمان دارای شش رکن است؛ ایمان به خدای یکتا، ایمان به ملائکه، ایمان به کتاب‌های آسمانی، ایمان به پیامبران، ایمان به روز جزا، ایمان به تقدیر خیر و شر. ولا یخرج العبد من الایمان الا بجحد ما ادخله فیه - و الایمان هو الاقرار باللسان و التصدیق بالجنان... و الایمان واحد و اهله فی اصله سواء و التفاضل بینهم بالخشیة



و التقی و مخالفة الهوى و ملازمة الاولى... و الايمان هو الايمان بالله و ملائکته و کتبه و رسله و اليوم الآخر و القدر و خيره و شره و حلوه و مره من الله تعالى... (حقانی، ۱۴۳۵: ۱۵۵-۱۶۴)

گروهی دیگری از حنفیان ماتریدی افغانستان ایمان را بیشتر با رویکرد تأویلی و غیبی و شهودی موردتوجه قرار داده‌اند. به اعتقاد باورمندان به این رویکرد، ایمان به صورت و حقیقت قابل دسته‌بندی است. به این معنا که حقیقت اسلام و کمال ایمان بدون فنا حاصل نمی‌شود. حقیقت اسلام مبتنی بر حقیقت ایمان و حقیقت ایمان مبتنی بر فنا و فنا نیز مبتنی بر رضای خداوند است. لازمه درک و کشف حقیقت اسلام و حقیقت ایمان تزکیه نفس و تصفیه قلب است. در غیر این صورت، فقط از صورت ایمان برخوردار خواهیم بود:

...سؤال: فرق صورت ایمان و حقیقت ایمان چیست و صورت نماز و حقیقت نماز

چه خواهد بود؟

جواب: صورت ایمان تصدیق احکام شرعیه است و حقیقت ایمان شهود مصداق احکام شرعیه است. صورت نماز آن است که با مزاحمت نفس و بدون رغبت آن ادا می‌شود و حقیقت نماز آن است که نفس در آن رغبت پیدا کند؛ زیرا در صورت نماز اگرچه قلب مصدق خوبی نماز است؛ اما نفس منکر آن است و از نماز کراهت دارد. نمی‌بینی که مؤمن و منافق هر دو نماز می‌خواند؛ لیکن منافق چون انکار باطن دارد، نماز او صورت نماز است و مؤمن چون اذعان باطن دارد، نماز او حقیقت نماز است و چون بدون فنا کمال ایمان و اسلام حاصل نمی‌گردد، دخول در زمرة بندگان و وصول به درجه اوتاد کجا میسر خواهد شد.... (هوتکی، دفتر اول، ۹۰-۹۱)

همچنین ایشان در زیرمجموعه مبحث ایمان، مسائلی چون ایمان شهودی و غیبی، مطلق ایمان و ایمان کامل، تعلق داشتن ایمان شهودی به ظلال و قلیل دانستن دستیابی به آن در دنیا و ایمان عارفان در وقت عروج و نزول را مطرح کرده که بیانگر رویکرد تأویلی غیبی ایشان از مسئله ایمان است. (هوتکی، دفتر اول: ۹۰، ۴۱۸. دفتر سوم: ۶۷۹، ۱۹ و ۷۲۲)



بر پایه همه‌شمول دانستن ایمان در حق همه مسلمانان و اهل قبله از نظر ماتریدیان، اندیشمندان این جریان در افغانستان معاصر از تکفیر مسلمانان پرهیز کرده‌اند. به اعتقاد سعید الرحمن حقانی از عالمان ماتریدی کنونی افغانستان، کسی که به کلمه شهادتین اعتراف نماید، قبله مسلمانان را برای ادای نماز انتخاب نماید، به وجوب نماز باور داشته باشد و ذبیحه مسلمان را میل نماید، چنین شخصی مؤمن و مسلمان است، ولو اینکه مرتکب کبیره شده باشد. مرتکب کبایر فاسق شده نه کافر. هیچ مسلمانی را نمی‌توان به سبب گناه کافر دانست تا زمانی که آن گناه را جایز نداند، بلکه می‌توان او را فاسق دانست. همچنین نمی‌توانیم بگوییم مؤمن را گناهش زیان نمی‌رساند، بلکه اگر مؤمن با گناه از دنیا رفت، گناهش اگر زیر پا گذاشتن حق خدا باشد، عقاب و خلاصی او در دست خداوند است و اگر گناهش زیر پا گذاشتن حق بنده بود، باید قبل از مرگ توبه نموده و ادای حق کرده باشد تا از جانب خداوند بخشیده شود. محفوظ دانستن خویش از عذاب پروردگار و ناامیدی از رحمت خداوند هر دو انسان را از دین بیرون می‌کند. راه درست برای اهل قبله این است که در بین خوف و رجا به سر ببرند و از خدا بترسند و به رحمت پروردگار امید داشته باشند: ... و نسیمی اهل قبلتنا مسلمین مؤمنین ما دامو بما جاء به النبی معترفین و له بكل ما قال و اخبر مصدقین غیر مکذبین... و لا نکفر احداً من اهل القبلة بذنبٍ ما لم يستحقه... و لا نقول لا یضر مع الایمان ذنبٌ لمن عمله... و نرجوا للمحسنین من المؤمنین ان یعفو عنهم و یدخلهم الجنة برحمته و لا نامن علیهم و لا نشهد لهم بالجنة و نستغفر لمسیهم و نخاف علیهم و لا نقنطهم... الا من و الیأس ینقلان عن ملة الاسلام و سبیل الحق بینهما لاهل القبلة... و لا یرج العبد من الایمان الا بجحود ما ادخله فیه.... (حقانی، ۱۳۸۶: ۱۵۵)

مولانا نصرالله هوتکی از دیگر عالمان ماتریدی معاصر افغانستان بر این باور است که اگر شخص مسلمان مرتکب عملی شود که این عمل او صد تأویل داشته باشد و از این صد تأویل، نود و نه مورد آن مثبت کفر باشد و یک مورد آن مثبت اسلام، نباید درباره چنین شخصی حکم کافر نمود. (هوتکی، بی‌تا: دفتر سوم: ۷۱۳)

نتیجه گیری

ماتریدیه یکی از مکاتب کلامی نامدار و دارای پیشینه در جهان اسلام است. این جریان در سده چهارم هجری قمری در آسیای مرکزی توسط ابومنصور محمد بن محمد ماتریدی (متوفی ۳۳۳ ق) به وجود آمد و توسط شاگردان او رشد و گسترش یافت. امروزه بخش قابل توجهی از مسلمانان بلاد ترک و عرب و آسیای مرکزی و شبه قاره و افغانستان از جهت کلامی به این جریان وابسته هستند. آموزه های کلامی ماتریدیان در طول سده های متوالی توسط اندیشمندان این جریان تدوین شده است. از جمله مهم ترین آموزه هایی که ماتریدیان مانند سایر مکاتب کلامی به آن پرداخته اند مسئله ایمان و کفر افراد است.

از منظر ابومنصور ماتریدی و طیفی از ماتریدیان متقدم ایمان عبارت است از تصدیق قلبی. به اعتقاد وی و سایر ماتریدیان از جهت عقلی نیز ماهیت دین را ایمان تشکیل می دهد و ارزشمندترین امر در دین، اعتقاد و باور است که در قلب جای دارد. در کنار این طیف، گروهی دیگری از ماتریدیان متأخر اقرار زبانی را نیز از ارکان ایمان دانسته اند. از نظر ماتریدیان ایمان و اسلام با آنکه از جهت لغوی و مفهومی متفاوت است؛ اما از جهات وجودی و مصداقی یکی است و هر مؤمنی مسلمان و هر مسلمانی مؤمن است. اعمال جوارحی نیز در کم شدن یا زیاد شدن ایمان نقشی ندارند. ماتریدیان اهل ایمان را از جهت درجات یقین و کمال دین باوری با یکدیگر متفاوت می دانند و کاستی و فزونی پذیری ایمان را نمی پذیرند. از نظر ماتریدیان، کفر افراد ثابت نمی شود جز اینکه خداوند، پیامبران الهی و ضروریات دین را انکار کنند. به همین جهت اصل اولیه از دیدگاه ایشان مؤمن دانستن انسان مسلمان و اهل قبله است. ماتریدیان معاصر افغانستان نیز با تکیه بر آرای ماتریدیان متقدم با تأکید نسبت به این نکته که انسان مسلمان تا زمانی که به وحدانیت خداوند و رسالت پیامبر^(ص) شهادت دهد و به آن پایبند باشد مؤمن است و بهتری و برتری بر اصل تقوی و مخالفت با هوی و هوس نفسانی است. می توان گفت خوانش و تفسیر ماتریدیان از مسئله ایمان و کفر، خوانش و تفسیر مبتنی بر مداراگرایی است که در تعامل با فرق





اسلامی نقش مهمی دارد. بازخوانی این خوانش نقش مهمی در احیای گفتمان بین المذاهبی و نیز تقابل با جریان‌های رادیکال دارد. به‌ویژه در جوامعی مانند افغانستان که بخش قابل توجهی از ساکنان این منطقه دارای پیشینه ماتریدی هستند؛ اما به سبب تحولات دهه‌های اخیر به سبب برخی دگردیسی‌ها یا کم‌توجهی، جریان ماتریدیه با رکود نسبی مواجه شده و این خلأ معرفتی زمینه رشد جریان‌های بدیل را فراهم ساخته است.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابلاغ، عنایت‌الله، (۱۳۹۰ق)، الامام الاعظم ابوحنیفه المتکلم، امارات: المجلس الاعلى للشئون الاسلامية.
۲. ابن أبی الوفاء، عبدالقادر، (بی‌تا)، الجواهر المضيئه فی طبقات الحنفیه، کراتشی: بی‌نا.
۳. ابن فارس، (۱۴۰۴ق)، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۴. ابن منظور (بی‌تا)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۵. ابن نجیم، زین‌الدین بن ابراهیم، (۱۴۳۶ق)، البحر الرائق شرح کنز الدقائق، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶. ابوزهره، محمد، (۱۹۹۶م)، تاریخ المذاهب الاسلامیه، القاهرة: دارالفکر العربی.
۷. اندلسی، علی بن احمد، (۱۴۲۲ق)، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۸. انوشه، حسن و دیگران، (۱۳۸۲)، دانشنامه ادب فارسی، چ ۲، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۹. ایوبی‌الکندھاری، ابوالفضل محمد عبیدالله، (بی‌تا)، سیف‌الکندھاری علی عنق السلفی، پیشاور: مکتبه اهل السنه و الجماعة.
۱۰. آریانفر، شمس‌الحق، (۱۳۸۷)، شخصیت‌های کلان افغانستان، کابل: بنگاه انتشارات میوند.
۱۱. بزدوی، محمد بن محمد، (۱۴۲۴ق)، اصول‌الدین، قاهره: المکتبه الازهریه.
۱۲. بیاضی، کمال‌الدین، (۱۳۶۸)، اشارات المرام من عبارات الامام، قاهره: مکتبه المصطفی.





۱۳. التفتازانی، مسعود بن عمر، (۱۴۰۷ق)، شرح العقائد النسفية، تصحيح: عبدالرحمن عميره وصالح موسى شرف، قاهرة، مكتبة الكليات الازهرية.
۱۴. جلالی، سيد لطف‌الله، تاريخ و عقايد ماتريديه (۱۳۸۶)، چ ۲، قم: مركز مطالعات و تحقيقات اديان و مذاهب.
۱۵. جمعی از نویسندگان، (۱۳۹۳)، مجموعه مقالات کنگره جهانی «جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام»، قم: دارالاعلام لمدرسة اهل البيت.
۱۶. حبیبی، عبدالحی، (۱۳۶۷)، آفریده‌های مهجور، گردآوری: هارون خیل، کابل: آکادمی علوم.
۱۷. حقانی، محمد سعیدالرحمن، (۱۴۳۵ق)، عقیده اهل سنت و جماعت، کابل: مکتبه النور.
۱۸. حنفی، ابن ابی العز، (۱۴۱۸ق)، شرح العقيدة الطحاوية، رياض: دارالعالم الكتب.
۱۹. حنفی، ابن ابی العز، (بی تا)، الاتباع، بیروت: عالم الكتب.
۲۰. رازی الحنفی، محمد بن ابی بکر، (۱۴۲۰ق/۱۹۹۹م)، مختار الصحاح، اهتمام: الشيخ محمد يوسف، ط ۵، بیروت: المكتبة العصرية.
۲۱. راغب اصفهانی، (۱۳۸۴)، مفردات فی غریب القرآن، قم: ذوی القربی.
۲۲. رضوانی، علی اصغر، (۱۳۹۳)، تکفیر از دیدگاه علمای اسلام، قم: مؤسسه دارالاعلام لمدرسة اهل البيت.
۲۳. سجادی، جعفر، (۱۳۷۳)، فرهنگ معارف اسلامی، چ ۳، تهران: کومش.
۲۴. سمرقندی، حکیم ابوالقاسم، (۱۳۹۳)، ترجمه السواد الاعظم، ترجمه: عبدالحی حبیبی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۵. شرتونی، رشید، (۱۳۷۴)، اقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد، قم: دارالاسوه.
۲۶. صفاتاج، مجید، (۱۳۸۰)، تکفیر، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.



۲۷. طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تحقیق: احمدالحسینی، تهران: مرتضوی.

۲۸. قاری، علی بن سلطان بن محمد، (۱۴۲۸ق)، شرح الفقه الاکبر، بیروت: دارالکتب العلمیه.

۲۹. لامشی، محمود بن زید، (۱۴۲۵ق)، التمهید لقواعد التوحید، بیروت: دارالکتب العلمیه.

۳۰. ماتریدی، محمد بن محمد، (۱۴۲۶ق)، تأویلات اهل السنة، بیروت: دارالکتب العلمیه.

۳۱. ماتریدی، محمد بن محمد، (۲۰۱۰م)، التوحید، ط ۲، بیروت: دار صادر.

۳۲. مغربی، علی عبدالفتاح، (۱۴۳۰ق)، ابومنصور الماتریدی وآرائه الکلامیه، قاهره: مکتبه وهبه.

۳۳. نسفی میمون بن محمد، (۱۹۹۰م)، تبصرة الادله فی اصول الدین، قبرس: لیماسول.

۳۴. نسفی، میمون بن محمد، (۱۴۰۶ق)، التمهید لقواعد التوحید، قاهره: دارالطباعة المحمدیه.

۳۵. هوتکی، مولوی نصرالله، (بی تا)، شرح مکتوبات قدسی آیات محبوب سبحانی امام ربانی مجددالف ثانی، تحریر و ترتیب: حفیظ الله سیرت بدخشی طالقانی، پیشاور: تاج محل کمپنی.

